

## RİNTLERİN ÖLÜMÜ

Hafız'ın kabri olan bahçede bir gül varmış.  
Yeniden her gün açarmış kanayan rengiyle,  
Gece bülbül ağaran vakte kadar ağlarmış.  
Eski Şiraz'ı hayal ettiren ahengiyle.  
Ölüm asude bahar ülkesidir bir rinde.  
Gönlü her yerde buhurdan gibi yıllarca tüter  
Ve serin serviler altında kalan kabrinde  
Her seher bir gül açar, her gece bir bülbül öter.

Yahya Kemal BEYATLI

Hafız Şirazi (1325 - 1390) Asıl adı Şemseddin Muhammed'dir. Hayatı hakkında ayrıntılı bilgi olmadığından doğum yılı, ilk gençlik dönemi, nerede ve ne gibi bir öğrenim gördüğü kesin olarak bilinmez. Çağdaşlarının onunla ilgili yazdıklarından, İsfahan'dan Şiraz'a göçmüş Bahaeddin adlı birinin oğlu olduğu, sonradan şiirleri üzerinde yapılan çalışmalardan da iyi medrese öğrenimi gördüğü, çağının bilim geleneğine uyarak Kur'an, Hadis, fıkıh, kelim ve tasavvuf okuduğu, Kur'an'ı ezberleyerek hafız sanını aldığı anlaşılmaktadır.

**خواجه شمس الدين محمد بن محمد حافظ شیرازی (حدود ۷۲۷-۷۹۲ هجری قمری)،**  
**شاعر و غزلسرای بزرگ قرن هشتم ایران و یکی از سخنوران نامی جهان است.**

بسیاری حافظ شیرازی را بزرگترین شاعر ایرانی تمام دورانها می‌دانند. بیشتر اشعار حافظ غزل می‌باشد و بن‌مایه غالب غزلیات او عشق است.

### زندگی حافظ

در خصوص سال دقیق ولادت او بین مورخین و حافظ‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. دکتر ذبیح‌الله صفا ولادت او را در ۷۲۷ (تاریخ ادبیات ایران) و دکتر قاسم غنی آن را در ۷۱۷ (تاریخ عصر حافظ) می‌دانند. برخی دیگر از محققین همانند علامه دهخدا بر اساس قطعه‌ای از حافظ ولادت او را قبل از این سالها و حدود ۷۱۰ هجری قمری تخمین می‌زنند (لغتنامه دهخدا، مدخل حافظ). آنچه مسلم است ولادت او در اوایل قرن هشتم هجری قمری و بعد از ۷۱۰ واقع شده و به گمان غالب بین ۷۲۰ تا ۷۲۹ روی داده‌است.

سال وفات او به نظر اغلب مورخین و ادیبان ۷۹۲ هجری قمری است. (از جمله در کتاب مجمل فصیحی نوشته فصیح خوافی (متولد ۷۷۷ ه.ق.) که معاصر حافظ بوده و همچنین نفحات الانس تألیف جامی (متولد ۸۱۷ ه.ق.) صراحتاً این تاریخ به عنوان سال وفات خواجه قید شده‌است). مولد او شیراز بوده و در همان شهر نیز وفات یافته است.

نزدیک به یک قرن پیش از تولد او (یعنی در سال ۶۳۸ هـ ق - ۱۲۴۰ م) محمی الدین عربی دیده از جهان فروپوشیده بود، و ۵۰ سال قبل از آن (یعنی در سال ۶۷۲ هـ ق - ۱۲۷۳ م) مولانا جلال الدین محمد بلخی (رومی) درگذشته بود.

درباره زندگی حافظ اطلاعات دقیقی در دست نیست.

## زبان و هنر شعری

همچون همه هنرهای راستین و صادق، شعر حافظ پر عمق، چندوجه، تعبیریاب، و تبیین جوی است. او هیچ‌گاه ادعای کشف و غیب‌گویی نکرده، ولی از آن‌جا که به ژرفی و با پرمعنایی زیسته است و چون سخن و شعر خود را از عشق و صدق تعلیم گرفته است، کار بزرگ هنری او آینده‌دار طلعت [۱] و طینت فارسی‌زبانان گردیده است.

مرا تا عشق تعلیم سخن کرد  
حدیثم نکته هر محفلی بود  
مگو دیگر که حافظ نکته‌دانست  
که ما دیدیم و محکم جاهلی بود

(صفحه ۳۶ حافظنامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، بخش

حافظ را چیره‌دست‌ترین غزل سرای زبان فارسی دانسته‌اند (صفحه ۲۲۴ Arthur Arberry) موضوع غزل وصف معشوق، می، و مغالزه است و غزل‌سرایی را باید هنری دانست ادبی، که درخور سرود و غنا و ترانه پردازی است.

با آنکه حافظ غزل عارفانه مولانا و غزل عاشقانه سعدی را پیوند زده‌است، نوآوری اصلی به‌سبب تک بیت‌های درخشان، مستقل، و خوش‌مضمون فراوانی است که ایجاد کرده‌است. استقلال‌ی که حافظ از این راه به غزل داده به میزان زیادی از ساختار سوره‌های قرآن تأثیر گرفته‌است، که آن را انقلابی در آفرینش اینگونه شعر دانسته‌اند (صفحه ۳۴ حافظنامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، بخش اول).

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ  
به قرآنی که اندر سینه داری

نمونه‌ای از اشعار

مهرورزی تو با ما شهره آفاق بود  
بحث سر عشق و ذکر حلقه عشاق بود  
منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود

پیش از اینت بیش از این اندیشه‌ی عشاق بود  
یاد باد آن صحبت شبها که با نوشین لبان  
پیش ازین کاین سقف سبز و طاق مینا  
برکشند

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود  
بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق  
بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد  
حسن مهرویان مجلس گرچه دل می‌برد و  
دین

دفتر نسرین و گل رازینت اوراق بود

شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد

دیوان حافظ که مشتمل بر حدود ۵۰۰ غزل، چند قصیده، دو مثنوی، چندین قطعه، و تعدادی رباعی است، تا کنون بیش از چهارصد بار به اشکال و شیوه‌های گوناگون، به زبان اصلی فارسی و دیگر زبان‌های جهان به چاپ رسیده است. شاید تعداد نسخه‌های خطی ساده یا تذهیب‌گردیده آن در کتابخانه‌های ایران، افغانستان، هند، پاکستان، ترکیه، و حتی کشورهای غربی از هر دیوان فارسی دیگری بیشتر باشد. (ص ص ۲۶۵ - ۲۶۷، *ذهن و زبان حافظ*)

رباعیات چندی به حافظ نسبت داده شده است هر چند این رباعیات از ارزش ادبی و الایی همسنگ عزل‌های حافظ برخوردار نیستند اما در انتساب برخی از آنها تردید زیادی وجود ندارد. دکتر پرویز نائل خانلری در تصحیحی که از *دیوان حافظ* ارائه داده است. تعدادی از این رباعیات را آورده است که ده رباعی در چند نسخه مورد مطالعه خانلری بوده‌اند و بقیه فقط در یک نسخه ثبت شده‌اند. خانلری در باره رباعیات حافظ می‌نویسد: «هیچ یک از رباعیات منسوب به حافظ چه در لفظ و چه در معنی ارزش و اعتبار چندانی ندارد و بر قدر و شأن این غزل‌سرا نمی‌افزاید.»<sup>[۱]</sup>

امشب ز غمت میان خون خواهم خفت	و ز بستر عاقبت برون خواهم خفت
باور نکنی خیال خود را بفرست	تا درنگرد که بی تو چون خواهم خفت <sup>[۲]</sup>
هر دوست که دم زد از وفا دشمن شد	هر پاک روی که بود تردامن شد
گویند شب آبستن غیب است عجب	چون مرد ندید از که آبستن شد <sup>[۳]</sup>

### حافظ و پیشینیان

یکی از باب‌های عمده در حافظ‌شناسی مطالعه کمی و کیفی میزان، گستره، مدل، و ابعاد تأثیر پیشینیان و هم‌عصران بر هنر و سخن اوست. این نوع پژوهش را از دو دیدگاه عمده دنبال کرده‌اند: یکی از منظر استقلال، یگانگی، بی‌نظیری، و منحصر به فرد بودن حافظ، و اینکه در چه مواردی او اینگونه است. دوم از دیدگاه تشابهات و همانندی‌های آشکار و نهانی که مابین اشعار حافظ و دیگران وجود دارد.

از نظر یکتا بودن، هر چند حافظ قالب‌های شعری استادان پیش از خودش و شاعران معاصرش همچون *خاقانی*، *نظامی*، *سنایی*، *عطار*، *مولوی*، *عراقی*، *سعدی*، *امیر خسرو*،

خواجوی کرمانی، و سلمان ساوجی را پیش چشم داشته، زبان شعری، سبک و شیوه هنری، و نیز اوج و والایی پیام‌ها و اندیشه‌های بیان‌گرددیده با آن‌ها چنان بالا و ارفع است که او را نمی‌توان پیرو هیچ‌کس به حساب آورد (صفحهٔ ز، پیش‌گفتار در دیوان حافظ با ترجمه و شرح اردو توسط عبداللہ اختر).

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب      نا سر زلف سخن را به قلم‌شانه زدند

از منظر تأثیر آثار دیگران بر حافظ و اشعارش، پیش‌زمینهٔ بسیاری از افکار، مضامین، صنایع و نازک‌خیالی‌های هنری و شعری حافظ در آثار پیشینیان او هم وجود دارد<sup>[۵]</sup>

تأثیر حافظ بر شعر دوره‌های بعد

تبحر حافظ در سرودن غزل بوده و با ترکیب اسلوب و شیوه شعرای پیشین خود سبکی را بنیان نهاده که اگر چه پیرو سبک عراقی است اما با تمایز ویژه به نام خود او شهرت دارد. برخی از حافظ پژوهان شعر او را پایه‌گذار سبک هندی می‌دانند که ویژگی اصلی آن استقلال نسبی ابیات یک غزل است (حافظ‌نامه، خرمشاهی).

گوته، شاعر آلمانی، «دیوان غربی - شرقی» خود را تحت تأثیر «دیوان حافظ» سرود، و فصل دوم آن را با نام «حافظ‌نامه» به اشعاری در مدح حافظ اختصاص داد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به دو شعر زیر اشاره کرد:

حافظا، در غزل‌هایت می‌شنوم  
که شاعران را بزرگ داشته‌ای.  
بنگر که اینک پاسخی فراخورت می‌دهم:  
بزرگ اوپی است که این سپاس به بزرگداشتِ اوست.

یکی دیگر از شاعران و فیلسوفان به نام آلمان، نیچه، نیز در دیوان «اندرزها و حکمت‌ها»، یکی از شعرهای خود را با نام «به حافظ (آوای نوشانوش، پرسش یک آبنوش)» به او تقدیم کرده‌است:

**شارحان ترک**

۱. سودی بسنوی (وفات: ۱۰۰۰ ه.ق.)، نویسندهٔ شرح چهار جلدی بر دیوان حافظ
۲. سروری (وفات: ۹۶۹ ه.ق.)
۳. شمعی (وفات: ۱۰۰۰ ه.ق.)

۴. سید محمد قونیوی متخلص به وهبی (وفات: ۱۲۴۴ ه.ق.) [۸]

### فال حافظ

دیشب به سیل اشک ره خواب میزدم  
چشم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ  
نقشی به یاد خط تو بر آب میزدم  
ساقی به صوت این غزل کاسه می گرفت  
فالی به چشم و گوش درین باب میزدم  
بر نام عمر و دولت احباب میزدم

مشهور است که امروز در خانه هر ایرانی یک دیوان حافظ یافت می‌شود. ایرانیان طبق رسوم قدیمی خود در روزهای عید ملی یا مذهبی نظیر نوروز بر سر سفره هفت سین، و یا شب یلدا، با کتاب حافظ فال می‌گیرند. برای این کار، یک نفر از بزرگان خانواده یا کسی که بتواند شعر را به خوبی بخواند یا کسی که دیگران معتقدند به اصطلاح خوب فال می‌گیرد ابتدا نیت می‌کند، یعنی در دل آرزویی می‌کند. سپس به طور تصادفی صفحه‌ای را از کتاب حافظ می‌گشاید و با صدای بلند شروع به خواندن می‌کند. کسانی که ایمان مذهبی داشته باشند هنگام فال گرفتن فاتحه ای می‌خوانند و سپس کتاب حافظ را می‌بوسند، آنگاه با ذکر اورادی آن را می‌گشایند و فال خود را می‌خوانند.

برخی حافظ را لسان غیب می‌گویند یعنی کسی که از غیب سخن می‌گوید و بر اساس بییتی از شعر حافظ او معتقد است که کسی زبان غیب نیست:

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان  
کدام محرم دل ره در این حرم دارد

یکی از صنایع شعری ایهام است بدین معنی که از یک کلمه معانی متفاوتی برداشت می‌شود. ایهام در اشعار حافظ بصورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته. همچنین از مهم‌ترین خصوصیات شعر حافظ این است که غزلیات او گسترده‌گی مطالب ذکر شده در یک غزل می‌باشد بگونه‌ای که در یک غزل از موضوعهای فراوانی حرف می‌زند. هر بیت شعر حافظ نیز بطور مستقل قابل تفسیر است. این خصوصیات شعر حافظ باعث شده که هر کس با هر نیتی دیوان حافظ را بگشاید و غزلی از آن بخواند در مورد نیت خود کلمه یا جمله‌ای در آن غزل می‌یابد و فرد فکر می‌کند که حافظ نیت او را خوانده و به وی جواب داده است. غافل از اینکه این خاصیت شعر حافظ است و در بقیه غزلیات او نیز کلمات یا جملاتی همخوان با نیت صاحب فال وجود دارد.

حافظ زمانی که در مانده می‌شود به فال روی می‌آورد:

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش  
زده ام فالی و فریاد رسی می‌آید

آرامگاه حافظ در شمال شهر شیراز، پایین‌تر از دروازه قرآن، در یکی از قبرستان‌های معروف شیراز به نام خاک مصلی قرار دارد و مساحت آن ۱۹۱۱۶ متر مربع است. ۶۵

سال پس از درگذشت حافظ، در سال ۸۵۶ هجری قمری (برابر ۱۴۵۲ میلادی)، شمس‌الدین محمد یغمایی وزیر میرزا ابوالقاسم بابر گورکانی (پسر میرزا بایسنغر نواده شاهرخ بن تیمور) حاکم فارس، برای اولین بار ساختمانی گنبدی شکل را بر فراز مقبره حافظ بنا کرد و در جلو این ساختمان، حوض بزرگی ساخت که از آب رکن‌آباد پر می‌شد. این بنا یک بار در اوایل قرن یازدهم هجری و در زمان حکومت شاه عباس صفوی، و دیگر بار ۳۵۰ سال پس از وفات حافظ به دستور نادرشاه افشار مرمت شد. در سال ۱۱۸۷ هجری قمری، کریم خان زند بر مقبره حافظ، بارگاهی به سبک بناهای خود، شامل تالاری با چهار ستون سنگی یکپارچه و بلند و باغی بزرگ در جلو آن ساخت و بر مزارش سنگ مرمری نهاد که امروز نیز باقی است.

بعد از عمارتی که کریم خان زند بر مقبره حافظ ساخت در طول یکصد و شصت سال تعمیرات زیادی به وسیله اشخاص خیرخواه انجام گرفت تا آنکه در سال ۱۳۱۵ به کوشش شادروان علی اصغر حکمت بنای کنونی با بهره‌گیری از عناصر معماری روزگار کریم خان زند و یادمانهای حافظیه توسط آندره گدار فرانسوی طراحی و اجرا شد. در کنار مزار حافظ عرفا و شعرای نامداری به خاک سپرده شده اند.<sup>[۱۲]</sup>

آرامگاه حافظ در منطقه حافظیه و در فضایی آکنده از عطر و زیبایی جان‌پرور گل‌های شیراز در هم‌آمیخته با شور اشعار خواجه واقع شده است. این مکان یکی از جاذبه‌های مهم توریستی هم به‌شمار می‌رود، و در زبان عامیانه خود اهالی شیراز، رفتن به حافظیه معادل با زیارت آرامگاه حافظ گردیده است. اصطلاح زیارت که بیشتر برای اماکن مقدسی نظیر کعبه و بارگاه حسین بن علی، امام سوّم شیعیان به‌کار می‌رود، به‌خوبی نشان‌گر آنست که حافظ چه چهره مقدسی نزد ایرانیان دارد. معتقدان به حافظ رفتن به آرامگاه او را با آداب و رسومی آیینی همراه می‌کنند، از جمله با وضو به آنجا می‌روند، و در کنار آرامگاه حافظ کفش خود را از پای بیرون می‌آورند که در فرهنگ مذهبی ایران نشانه احترام و قدسی بودن مکان است. آرامگاه حافظ همچنین مکانی فرهنگی است. به‌عنوان مثال، برنامه‌های مختلف شعرخوانی شاعران مشهور یا کنسرت خوانندگان بخصوص سبک موسیقی ایرانی و عرفانی در کنار آن برگزار می‌شود. حافظ شیرازی در شعری پیش‌بینی کرده است که مرقدش پس از او زیارت‌گاه خواهد شد:

بر سر تربت ما چون گذری، همت خواه      که زیارت‌گه رندان جهان خواهد بود